

بررسی تحولی اضطراب، جاری شدن واژگان، تقلید و یکپارچه سازی حواس در کودکان

Investigating in Development of Anxiety, the Vocabulary Spurt, Imitation, and Multisensory Integration in Children

بررسی تحولی زمینه‌هایی که کودکان را برای تحول بهنجار و سلامت روانی در بزرگسالی آماده می‌سازد، از دیر باز مورد توجه متخصصان بوده است. توانمندی مربیان در جهت تربیت صحیح کودکان مستلزم هشیاری نسبت به نکات ظریفی است که بر پیشگیری بیش از درمانگری تأکید دارد. در این بخش با پرداختن به پژوهش‌هایی که در این راستا صورت پذیرفته‌اند، امید داریم تا گام‌های استوارتری در این زمینه برداریم.

Buss, K. A. (2011). Which fearful toddlers should we worry about? Context, fear regulation, and anxiety risk. *Developmental Psychology*, 47 (3), 804-819.

برای کدام نوپایان ترسو باید نگران باشیم؟ زمینه، تنظیم ترس و خطر ابتلا به اضطراب.

پژوهش حاضر، به بررسی الگوی خطر ابتلا به اضطراب در کودکان نو پای ترسو اختصاص دارد. این الگو به وسیله میزان کنترل شدت رفتار طرد از سوی نوپایان در زمینه‌های متعدد مشخص می‌شود. شرکت کنندگان شامل کودکان نو پای ۲۴ - ماهه (N = ۱۱۱) با احتمال خطر ابتلای پایین بود که در طول سالهای حضور در مهد کودک، در پاییز هر سال، مورد بررسی قرار گرفتند. فرضیه اصلی این بود که احساس ترس در موقعیتهایی که تهدید نسبتاً کم است (برای مثال، که قابل پیش بینی و کنترل اند و در آن کودکان از منابع مقابله بسیاری برخوردارند) سرآغاز ابتلا به تحول اضطراب اندازه گیری شده بر مبنای گزارش‌های والدین و معلمان از رفتارهای اضطرابی کودکان در مهد کودک است. نتایج از این فرض حمایت می‌کنند که میزان ترس ابراز شده مهم نیست، بلکه زمان و چگونگی ابراز ترس است که رفتارهای سازشی را مشخص می‌کند. ضرورت الگوی ابتلا که شامل تنظیم ترس، نقش زمینه فراخواننده، احتیاط اجتماعی و اهمیت بررسی گذارهای تحولی، مانند شروع رسمی مدرسه است، مورد بحث قرار گرفت. این یافته‌ها شناسایی الگوهای کودکان ترسو را که ممکن است در معرض ابتلا به مشکلات اضطرابی تحولی باشند، مطرح می‌کند.

Parladé, M. V., & Iverson, J. M. (2011). The interplay between language, gesture, and affect during communicative transition: A dynamic systems approach. *Developmental Psychology*, 47 (3), 820-833.

کنش متقابل بین زبان، طرز بیان و رفتار ظاهری طی گذار ارتباطی: روی‌ورد نظامهای پویا

از دیدگاه نظامهای پویا، نقاط گذار در تحول، زمان افزایش بی‌باتی‌اند. طی این دوره‌ها الگوهای رفتاری به طور موقت پیوستگی خود را از دست می‌دهند. این پژوهش اثر جاری شدن واژگان را بر الگوهای موجود در هماهنگی ارتباطی، بررسی کرد. از هجده نوزاد معمولی، ۱ ماه پیش و ۱ ماه پس از جاری‌دن واژگان، در خانه فیلم‌برداری شد. نوزادانی که در مرحله گذار تحول واژگان قرار می‌گرفتند به عنوان افرادی که بریده بریده حرف می‌دند، مشخص شدند (مشخص شده توسط نقطه عطف) و با گروهی که بریده بریده حرف نمی‌زدند و یادگیری واژگان آنها از یک سیر تغییر پیوسته، پیروی می‌کرد، مقایسه شدند. در جلسه‌های مورد بررسی، هماهنگی کلی رفتارهای ارتباطی و کلمه‌های تولیدشده در جلسه‌های جاری‌دن واژگان نوزادانی که رشد واژگانی چشمگیرتری داشتند، کاهش قابل توجهی داشت. در مقابل، نوزادانی که بریده بریده حرف نمی‌زدند، تغییر کمی را طی جلسه‌ها نشان دادند. یافته‌ها، بر اهمیت گذار به عنوان فرصتی برای مشاهده فرآیندهای تغییر تحولی تأکید داشتند.

Simpson, A., & Riggs, K. J. (2011). Three- and 4-year-olds encode modeled actions in two ways leading to immediate imitation and delayed emulation. *Developmental Psychology*, 47 (3), 834-840.

سه و ۴ ساله‌ها اعمال الگو را به دو شیوه که به تقلید بلافاصله و سرمشق قرار دادن با تأخیر منجر می‌شود، به رمز در می‌آورند. هنگام کپی رفتار الگو با ابزار، کودکان به تقلید (کپی اعمال خاص برای تکرار هدف الگو) بیش از سرمشق قرار دادن (به وقوع پیوستن هدف الگو به شیوه‌ای بسیار مؤثر) تمایل دارند. برای دستیابی به یافته‌ها، تکالیف ارایه شده در آزمون، بلافاصله پس از ارائه رفتار، از سوی کودکان سرمشق قرار داده شدند. در دو آزمایش، رفتار کپی کردن کودکان با یک فاصله زمانی (یک هفته) مورد بررسی قرار گرفت. در آزمایش ۱ ($n=90$)، ما متوجه شدیم که هر چند ۳ و ۴ ساله‌ها اغلب در کوتاه مدت، مایلند تقلید کنند، اما در دراز مدت الگو را سرمشق قرار می‌دهند. داده‌های آزمایش ۲ ($n=90$)، بر مبنای به خاطر سپردن اعمال توسط کودکان، یا به عبارتی شرح علی تکلیف، فراهم آمد. به طور کلی، داده‌ها نشان دادند که کودکان به طور همزمان رفتار را به دو شیوه به رمز در می‌آورند که هر دو منجر به تقلید و سرمشق گیری می‌شود. در بحث، نوع اطلاعاتی که در درازمدت، کودکان را به سوی سرمشق قرار دادن هدایت می‌کند، مطرح شد.

Barutchu, A., Crewther, Sh. G., Fifer, J., Shivdasani, M. N., Innes-Brown, H., Toohey, S., Danaher, J., & Paolini, A. G. (2011). The relationship between multisensory integration and IQ in children. *Developmental Psychology*, 47(3), 877-885.

ارتباط بین به کارگیری چند حس و بهره‌هوشی در کودکان

این مسئله تأیید شده که به کارگیری چند حس اثر تسهیل‌کننده بر فرآیندهای ادراکی و حرکتی، افزایش تکاملی شانس بقای گونه‌های مختلف، از جمله انسان دارد. با این وجود، اطلاعات موجود در مورد رابطه بین فرآیندهای حسی، سر و صدای محیط و تواناییهای شناختی کودکان محدود است. به همین دلیل، این پژوهش به بررسی رابطه بین به کارگیری چند حس، سر و صدای زمینه شنوایی و تواناییهای هوشی کودکان دبستانی ($n=88$)، میانگین سنی ۹ سال و ۷ ماه) با استفاده از یک الگوی ساده تشخیصی سمعی و بصری اختصاص یافته است. در این بررسی ما شواهدی مبنی بر اینکه کودکان با افزایش میزان به کارگیری چند حس در شرایط آرام و پر سروصدا، احتمالاً در تمام مقیاسهای چهارمین نسخه ضریب هوشی وکسلر برای کودکان (WISC-IV) نمره بالاتر از حد متوسط کسب می‌کنند، ارائه می‌دهیم. در مقابل، حدود ۴۵٪ از کودکان دارای هوش کلامی و غیر کلامی پایین، در هر دو شرایط - آرام و پر سروصدا - از توانایی کمتری در به کارگیری چند حس برخوردار بودند. در حالی که حدود ۲۰٪ کودکان در شرایط پر سروصدا چند حس را با یکدیگر بهتر به کار می‌گرفتند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که به کارگیری ثابت و مداوم حواس در محیطهای آرام و پر سروصدا با هوش کلی مطلوب، همراه است. پیامدهای نظری این مسئله مورد بحث قرار گرفتند.

ترجمه زهره صیادپور

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران جنوب